اخبار

برزیل جای ایران را در صدر گرفت

صعود به هفته آخر کشید

در پایان هفته چهارم لیگ ملت‌های والیبال، برزیل موفق شد با شکست روسیه صدر جدول را از تیم ایران بگیرد. در هفته چهارم مسابقات لیگ ملت‌های والیبال بامداد دوشنبه ۲ دیدار برگزار شد که برزیل موفق شد با برتری مقابل روسیه صدرنشین جدول ۱۶ تیمی مسابقات شود. برزیل که تا پیش از این دیدار تعقیب‌کننده ایران برای صدرنشینی بود، با برتری ۳ بر صفر مقابل روسیه ۳۰ امتیازی شد و در پایان هفته چهارم در رتبه نخست قرار گرفت. ایران ۳۰ امتیازی به دلیل داشتن یک شکست بیشتر از برزیل (۲ شکست) یک رتبه پایین‌تر از این تیم قرار دارد. صعود ایران هنوز قطعی نشده و باید در انتظار هفته پنجم بود. اگرچه سایت فدراسیون جهانی نوشته بود ایران یکی از ۶ تیم مرحله پایانی است اما این سایت یک روز پس از آن خبر خود را اصلاح کرد. در یکی دیگر از دیدارهای برگزار شده از هفته چهارم، لهستان موفق شد در دیداری نزدیک با نتیجه ۲-۳ بر ایتالیا غلبه کند. **برنامه هفته پنجم و پایانی مسابقات ایران به شرح زیر است:**

هفته پنجم، پلوودیف، بلغارستان

جمعه ۷ تیر ۱۳۹۸: ایران - صربستان، ساعت ۱۷

شنبه ۸ تیر ۱۳۹۸: ایران - بلغارستان، ساعت ۲۰:۴۰

یکشنبه ۹ تیر ۱۳۹۸: ایران - آمریکا، ساعت ۱۷

■■■

مأموریت تیم ۳ نفره پرسپولیس در استانبول؛ مذاکره با ۳ مربی

تیمی ۳ نفره از باشگاه پرسپولیس راهی استانبول شد تا مذاکراتی جدی با گزینه‌های جانشینی برانکو داشته باشد. ایرج عرب دیروز به همراه امیرعلی حسینی، مسؤول روابط بین‌الملل باشگاه پرسپولیس و یک ایجنت جهت مذاکره با مربیانی چون آنته چاچیچ، الکس نوری و ماسیمو کاررا راهی استانبول شدند. مربیان نامبرده به همراه مدیربرنامه‌های خود هر یک به‌صورت جداگانه با عرب نشستی را برگزار خواهند کرد تا در نهایت با یکی از این مربیان قرارداد امضا شود. نکته قابل توجه اینکه قرار بود مشاور عرب هم همراه او راهی استانبول شود اما مشاجره لفظی شدید بین آنها باعث شد امیرعلی حسینی در این سفر جایگزین مشاور عرب شود.

ارمغان وزیری که متهم به پرسپولیسی بودن بود

سیاه‌بختی

مهدی طاهرخانی: آنهایی که کمی حرفه‌ای و جدی‌تر فوتبال را دنبال می‌کنند، همان‌هایی که تعلق خاطر به رنگ قرمز دارند، همان‌هایی را می‌گویم که بعد از بردهای برانکو بی‌توجه به کری‌خوانی‌های رایج در فوتبال، فقط از یک چیز شاکر بودند؛ شکر از اتمام دوره قبل و پایان دلال‌بازی‌ها برای انتخاب سرمربی خارجی. آن روزهایی که برانکو بود، پرسپولیسی‌های واقعی و آنهایی که درد دوره قبل را کشیده بودند، فقط از یک چیز خوشحال بودند؛ دیگر خبری از انتخاب سرمربی غریبه با فوتبال ما نیست. یک برانکو است که حتی آمار بازیکنان لیگ یک را دارد، آمار مدافع متوسط پیکان تهران، آمار نادری ناشناخته و جوان در بلژیک و آمار خیلی از چیزها را. یک برانکو بود که نه دنبال بمب بود نه خریدهای گران و بی‌مصرف. کلا ۱۴ بازیکن داشت که بازی بین آنها تقسیم می‌شد و خیال همه آنقدر راحت بود که وقتی شاه‌مهره‌ای مثل طارمی در پنجره بسته رفت؛ همه گفتند ایرادی ندارد برانکو می‌تواند تیم را قهرمان کند و اعجاب‌آور اینکه کرد. دبل هم کرد.

■ **آرامشی که به یغما رفت**

اشتباه نشود، این نوشته‌ها در مدح برانکو و بالا بردن افراطی‌اش نیست. فقط اشاره به یک دوره آرام ۴ ساله است که در آن ۴ سال هیچ خبری از اخبار گیج‌کننده امروز نبود. حتی اگر برانکو فصل قبل ۲ جام را هم به دست نمی‌آورد باز هم اکثریت، رای به ماندنش می‌دادند چون آن چیزی را به پرسپولیس برگردانده بود که سال‌ها در نبودش، تیم ضربه خورد؛ آرامش، آرامش و آرامش. حتی وزارت ورزش هم که هیچ نقشی در ماندن و حضور برانکو نداشت و فقط عرضه پراندنش را با انتخاب افرادی همانند ایرج عرب و نبی داشت، بعد از قهرمانی‌های قرمز سینه سپر می‌کرد و خودش را «سهامدار» موفقیت می‌دانست. تردید دارید؟ سری به توئیتر مازیار ناظمی بزنید.

■ **دلالی با طعم اسپاگتی مسموم**

برانکو رفت و حالا پرسپولیس مانده و دلال‌هایی که ۴ سال تمام لحظه شماری می‌کردند. هر رسانه در حال «پرزنت کردن» یک سرمربی خارجی است. اما به طور اتفاقی همه ایتالیایی! عجیب نیست؟ چرا فقط ایتالیایی؟ سرنخ را بگیرید به یک «اتاق واحد» می‌رسید که پول‌ها از آنجا «تخس» می‌شود. فقط گزینه‌های ایتالیایی و صد درصد شکست‌خورده و ناکام در آن هست؛ مردانی که هرجا رفتند اخراج شدند. بدون جام، بدون عنوان، بدون هیچ نقطه درخشانی. ایرج عرب که حتی عرضه راضی کردن یحیی گل‌محمدی «که بزرگ‌ترین آرزوی زندگی‌اش نشستن مجدد روی نیمکت پرسپولیس بود» را هم نداشت، همچون کودکی معصوم بین این گرگ‌ها افتاده و خودش هم نمی‌داند تکلیفش چیست. روابط عمومی پرسپولیس هم کلا تعطیل و وامانده. همویی که یک روز کلمه پر شر «خیریت» را در دهان طارمی چپاند تا بدترین مشاوره رسانه‌ای زندگی‌اش را به این بازیکن دهد هم دیگر نمی‌آید دست‌کم با تکذیب کردن این اسامی کمی به هواداران آرامش دهد.

■ **مدیران قبل چرا ورود نمی‌کنند؟**

کاش همین امروز محمد رویانیان، حبیب کاشانی، محمدرضا سیاسی و محمدحسن انصاری‌فر خودشان را به عرب برسانند و به او بگویند چگونه در گذشته وضعیت پیچیده امروز او را داشتند و چگونه با انتخاب‌های «غلط» روزهای سیاه را به تاریخ قرمزها تحمیل کردند. کاش رویانیان بیاید و بگوید چگونه آن همه پول بی‌زبان را هدر داد، بازیکن بزرگ آورد اما دست آخر در فاصله یک هفته به آغاز لیگ سراغ پیرمردی رفت که اصلا نمی‌دانست ایران کجاست و فوتبالش چیست. رویانیان، خام دلال‌ها شد و بیش از یک میلیون یورو به مانوئل ژوزه پرتغالی داد و باقی ماجرا که احتیاج به بازگویی مجدد ندارد. کاش کاشانی بیاید و بگوید چگونه مرتکب اشتباه شد و کرانچار را ناگهان آورد و بدتر از همه چگونه او را زود اخراج کرد. نتایج خاطرتان هست؟ آنهایی که کمی حرفه‌ای‌تر و جدی‌تر فوتبال را دنبال می‌کنند، همان‌هایی که تعلق خاطر به رنگ قرمز دارند خاطرشان هست چگونه یک دهه بی‌جامی شکل گرفت. خشت خشتش را همین مدیران ناآگاه از جریانات فوتبال روی هم گذاشتند. ملاتش هم از اتاق دلال‌ها جور شد. مهندسی‌اش هم روی سکوها. پای دلال‌ها هم کاملا مشخص؛ همان‌هایی که شماره کارت می‌گرفتند و بعدش ناگهان یک گزینه جدید خارجی در صفحه یک روزنامه‌های ورزشی معرفی می‌شد. آخرین بار زمانی که برانکو آمد هنوز کانال‌های تلگرامی اینچنین قوی نشده بودند. حالا دلال‌ها سراغ «فیک‌نیوزها» می‌روند و ناگهان می‌بینید اسم چند ایتالیایی بیکار و بی‌کارنامه، پخش می‌شود. زبل‌ترها پول گرفتند و در کانال‌شان گذاشتند، احمق‌ترهای بی‌جیره و مواجب هم در حال کپی‌پیست هستند و بیچاره هواداران.

■ **خارجی با کدام شناخت؟**

سوال این است، چرا باید حتما گزینه خارجی جانشین برانکو شود؟ اشتباهی که رویانیان و باقی مدیران سابق پرسپولیس کردند و آن روزهای سیاه را به ارمغان آوردند باید حالا «چراغ راه» پرسپولیس باشد. مربی خارجی که تا به حال در فوتبال ما کار نکرده، دست‌کم به یک فصل کامل زمان احتیاج دارد تا به شناخت کافی و لازم برسد. طبیعتا این فرصت در استقلال و پرسپولیس به هیچ مهره خارجی و حتی داخلی داده نمی‌شود. پس همان‌طور که آینده استقلال با استراماچونی کاملا نامشخص و پرخطر است، پرسپولیس هم اگر مرتکب چنین اشتباهی شود، بدون شک تاوان سنگین‌تری را بعد از ۳ قهرمانی متوالی پس خواهد داد. برانکو به عنوان یک خارجی وارد پرسپولیس شد اما همین گزینه خارجی، تجربه سال‌ها زندگی در ایران را به عنوان مربی و سرمربی تیم‌ملی فوتبال ایران در کارنامه داشت. برانکو آنقدر ایرانیزه شده بود که می‌دانست از همان بدو ورود نباید کروات بزند چون در اینجا متداول نیست. کُرواتی که قانون کِروات را می‌دانست با این وجود در سال اول هیچ جامی را صید نکرد. اما به واسطه نزدیکی دست پرسپولیس به جام لیگ پانزدهم که تنها به واسطه تفاضل گل به استقلال خوزستان فقید رسید، هواداران قرمز به برانکو اعتماد کردند و ماحصلش ۷ جامی بود که در ۳ سال بعد جارو شد. مهم‌تر از آن ۷ جام، فینال لیگ قهرمانان آسیا بود که آن هم محصول صبر هواداران و اعتمادشان به همه تصمیمات سرمربی تیم بود. حتی اخراج ستاره‌هایی مثل طارمی، رضاییان و مسلمان هم مانع این حمایت نشد.

■ **سومین اشتباه هم از راه می‌رسد؟**

داستان برانکو دست‌کم برای یکی، دو سال باید فراموش شود. اما چاره چیست؟ بهترین راهکار استفاده از اشتباهات مدیران قبل ورود برانکو است. همه گزینه‌هایی که هیچ شناختی از فوتبال ایران ندارند فراموش شوند. آنها زمان کافی ندارند و با توجه به بالا رفتن سطح توقع هوادارانی که در این ۳ ساله در صدر جدول بودند و جام دیدند، محال است تا نیم‌فصل کسی تحمل شکست و میانه‌نشینی جدول داشته باشد. انتخاب یحیی می‌توانست از بروز یک فاجعه جلوگیری کند اما ایرج عرب اصولا شناختی از مناسبات فوتبال ندارد و تصور کرده با گدایی از مدیران شهرخودرو می‌تواند سرمربی موفق‌شان را برباید. عمل ربایش سرمربی را عرب برود از مدیریت الاهلی سعودی یاد بگیرد که بدون آنکه منت کسی را بکشند راحت مربی تحت قرارداد را ربودند به سمت جده.

عرب تا امروز ۲ اشتباه بزرگ و تاریخی انجام داده که هر یک از آنها برای بی‌اعتبار کردن هر مدیری کافی است؛ باز کردن درها برای خروج بدون غرامت برانکو و عدم موفقیت در راضی کردن یحیی برای فسخ قرارداد با شهرخودرو. اشتباه سوم که بهای سنگین‌تری هم دارد می‌تواند انتخاب یکی از همین ایتالیایی‌های بیکار و بی‌کارنامه باشد. ایرج عرب که محصول بی‌درایتی محض وزیر ورزش است، از حراست وزارتخانه یک شبه مدیرعامل پرسپولیس شد و ناباورانه در حال برگرداندن قرمزها به دوره پیشابرانکواست.

او تا امروز ۲ گام اساسی را برداشته و اگر وزیر همچنان منفعل باقی بماند آن وقت ماموریت نابود کردن «موفق‌ترین پرسپولیس تاریخ» توسط این مدیر «غریبه با فوتبال» به سرانجام می‌رسد.

این هم ارمغان وزیری که متهم به پرسپولیسی بودن بود!

اخبار

قهرمان یونان به دنبال جذب بیرانوند

باشگاه یونانی برای جذب دروازه‌بان پرسپولیس آمادگی خود را اعلام کرده است. علیرضا بیرانوند، دروازه‌بان ملی‌پوش ایران که همچنان با پرسپولیس قرارداد دارد، از کشور یونان و تیم المپیاکوس هم پیشنهادی دریافت کرده است. مشخص نیست باشگاه پرسپولیس با جدایی او موافق است یا می‌خواهد او را حفظ کند. بیرانوند پس از درخشش در جام‌جهانی و لیگ قهرمانان آسیا، در جام ملت‌های آسیا هم خودش را ثابت کرد و حالا مشتری‌های زیادی دارد.

■■■

سپاهان مشتری بازیکن ذوب‌آهن شد

باشگاه سپاهان ظاهرا به دنبال جذب مهاجم خارجی ذوب‌آهن اصفهان با یک پیشنهاد خوب مالی است. در حالی که کی‌روش استنلی یکی از مهاجمان تأثیرگذار سپاهان در فصل گذشته ظاهراً قصد بازگشت به این تیم را ندارد، مسؤولان این باشگاه به دنبال جذب اوساگونا مهاجم خارجی فصل گذشته ذوب‌آهن هستند. این در حالی است که برخی فعالان نقل و انتقالات فوتبال ایران مدعی شده‌اند باشگاه سپاهان حتی برای جذب این مهاجم رقمی حدود ۵۰۰ هزار دلار (با دلار ۱۳ هزار تومانی رقمی حدود ۶/۵ میلیارد تومان می‌شود) به این مهاجم پیشنهاد داده است. به این ترتیب کار ذوب‌آهن برای حفظ اوساگونا سخت خواهد شد. این مهاجم فصل گذشته گل‌های حساسی را برای ذوب‌آهن بویژه در لیگ قهرمانان آسیا به ثمر رساند. پیش از این هم امیر قلعه‌نویی در صحبت‌هایش اعلام کرده بود نیم‌نگاهی به جذب اوساگونا دارد. البته باید دید باشگاه سپاهان واقعا می‌خواهد با چنین پولی این بازیکن را جذب کند یا برخی فعالان نقل و انتقالات برای خراب کردن این پیشنهاد چنین شایعه‌ای را راه انداخته‌اند.

«وطن‌امروز» از نقش «مایکل داندریا»، رئیس مرکز عملیات ایران سازمان سیا در شیطنت‌های پهپادی اخیر گزارش می‌دهد

سیاهچاله

ادامه از صفحه ۲

خبر بعدی که از مایکل داندریا پخش شد اما حضور او و تیمش در پروسه بازجویی از برخی زندانیان زندان گوآنتانامو بود. از این افراد می‌توان به ابو زبیده، عبدالرحیم النشیری و خالد شیخ محمد اشاره کرد که بعد از مدتی کنگره آمریکا در بررسی‌های خود عنوان کرد طریقه بازجویی از این افراد کاملا شکنجه بوده است. نکته جالب توجه‌تر اما انتشار خبری است که عنوان می‌کند او یکی از افراد مسؤول در قتل عماد مغنیه در دمشق سوریه بوده است. مروری بر زندگینامه و کارنامه کاری مایکل داندریا نشان می‌دهد او به جای اینکه ماموری اطلاعاتی باشد که با اسناد و آمار سر و کار دارد و قرار است در پروژه ایران در سیا، به دنبال جمع‌آوری اطلاعات از برنامه هسته‌ای و دیگر اقدامات سیاسی و اقتصادی ایران باشد، ماموری اجرایی برای پروژه‌های قتل و شکنجه و بویژه عملیات‌های قتل با استفاده از پهپادها است.

زمانی که دولت ترامپ، مایکل داندریا را به‌عنوان مسؤول مرکز عملیات ایران گماشت، او و جنگ‌طلبانی که به این مرکز رفتند، تعداد زیادی از کارشناسانی را که گمان می‌رفت دیدگاه‌هایی غیر از دیدگاه پمپئو و بولتون درباره ایران در سر دارند، برکنار یا آنها را مجبور به سکوت کردند.

پیش از این اما در جریان اتفاقات دی‌ماه سال ۹۶ نیز یک بار دیگر نام مایکل داندریا در رسانه‌های ایران بر سر زبان‌ها افتاد. آن زمان منابع اطلاعاتی ایران اعلام کردند داندریا مسؤول اصلی پروژه شروع اغتشاشات در ایران بوده و از این طریق در پی اجرایی کردن پروژه براندازی در ایران بوده است.

در عین حال نباید پیشینه کاری داندریا در به راه انداختن حملات پهپادی را نیز در شرایط امروز ایران و بویژه شرایط حاکم بر دریای عمان نادیده انگاشت. مهم‌ترین محوری که ترامپ اخیرا برای فشار به ایران بر آن تمرکز کرده بود، حمله به نفتکش‌های اماراتی و عربستانی و مورد اخیر آن، حمله به نفتکش‌های ژاپنی در دریای عمان است؛ حمله‌ای که دقیقا چند ساعت بعد از آن انگشت اتهام پمپئو و ترامپ به سوی ایران نشانه رفت اما هیچ کشور دیگری ادله آنها برای اثبات این موضوع را نپذیرفت. اذعان افراد حاضر در نفتکش ژاپنی درباره اینکه پرنده‌ای ناشناس این نفتکش را هدف قرار داده و مین‌های دریایی نمی‌توانسته علت انفجار در کشتی باشد، بر ابهامات در این زمینه افزوده است.

با دانستن اینکه داندریا مسؤول حملات پهپادهای آمریکایی بوده و کل این پروژه توسط او مدیریت می‌شده است، حالا می‌توان تصویر درست‌تری از دلایل پر شدن آسمان خلیج‌فارس و دریای عمان و در برخی موارد حریم هوایی ایران از پهپادهای آمریکایی داشت. همین ۵ روز پیش بود که ایران یکی از پهپادهای ده‌ها میلیون دلاری آمریکا را در حریم هوایی کشورمان مورد هدف قرار داد و هواپیمایی دیگر را نیز که دارای ۳۵ سرنشین بود تعقیب کرد اما به دلیل اینکه هدف قرار دادن آن می‌توانست منجر به کشته شدن سرنشینان آن شود، از این مساله چشم‌پوشی کرد.

یکی از گمانه‌هایی که درباره ورود غیرقانونی پهپاد آمریکایی به حریم هوایی ایران مطرح شده بود، مساله خرابکاری بود. این موضوع که یک تیم در پنتاگون تعمدا دنبال تنش‌آفرینی با ایران و انداختن پوست خربزه زیر پای ترامپ در آستانه انتخابات آمریکا هستند موضوعی محتمل است. کما اینکه سردار حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران هم روز شنبه تصریح کرد ورود پهپاد متجاوز آمریکایی به حریم هوایی ایران ممکن است در نتیجه اشتباه یک ژنرال یا یک اپراتور ارتش آمریکا انجام شده باشد. بر همین اساس اگر قرار باشد روی این گمانه به صورت جدی تمرکز شود، قطعا داندریا نامی است که به ذهن برخی افراد متبادر خواهد شد.

جالب‌تر اینکه در ماجرای حمله به نفتکش ژاپنی نیز، استناد ترامپ به ادعای پنتاگون مبنی بر دست داشتن سپاه پاسداران در این ماجرا و انتشار یک فیلم مجهول در این‌باره، باعث شد او در یک برهه زمانی دچار بحران بی‌اعتباری جهانی شود و پس از آنکه کسی در دنیا این ادعای او را نپذیرفت؛ پاتریک شاناهان، سرپرست وزارت دفاع آمریکا استعفا کرد تا شاید اندکی از آب رفته اعتبار ترامپ به جوی بازگردد. هم در ماجرای حمله به نفتکش ژاپنی که بر اساس اظهارات خدمه کشتی، از طریق پهپاد مورد اصابت قرار گرفته بود و هم در ماجرای تجاوز پهپاد «گلوبال هاوک» به حریم هوایی ایران، رد پاهای مرموز دیده می‌شود؛ رد پاهایی که قبل از اینکه یک طراحی علیه ایران و نقشه‌ای برای افزایش تنش میان واشنگتن و تهران باشد، مانند پوست خربزه زیر پای ترامپ است!

■ **پیوند کانون‌های ثروت و اطلاعات آمریکا در پروژه تهدید ایران**

داندریا اما تنها فردی در سیا نبوده که به دستور مایک پمپئو و جان بولتون به دنبال اجرایی کردن پروژه براندازی نظام اسلامی در ایران یا به راه انداختن جنگ با ایران است. نفر بعدی در این لیست «توماس کاپلان» است؛ میلیاردری که ۲ گروه را به کار گرفته تا هر طور شده، پروژه تغییر نظام را در ایران پیاده کنند. این ۲ گروه عبارتند از «اتحاد در برابر ایران هسته‌ای» و «پروژه ضد افراط‌گرایی». از این میلیاردر آمریکایی به‌عنوان دوقلوی داندریا در بیرون از کاخ سفید یاد می‌شود. این ۲ گروه و البته شخص کاپلان پروژه بزرگ بی‌اعتبار کردن و بی‌احترامی به مسلمانان و بویژه ایران را در آمریکا پیش می‌برند. کاپلان ایران را سرزنش کرده و مدعی می‌شود داعش را ایران به راه انداخته است. او مدعی شده بود ایران از یک گروه سنی استفاده کرده تا نفوذ خود را از پارس تا مدیترانه گسترش دهد اما این نوع اظهارات بدون پشتوانه و مضحک در شرایطی بیان می‌شود که رسانه‌ها معتقدند این نفرت از ایران به دلیل نفرت کاپلان از شیعیان است و دلیل اصلی آن نیز معاملات تجاری‌ای است که او به همراه دیگر سرمایه‌گذاران میلیاردر آمریکایی به همراه دوستان سعودی خود در اقصی نقاط دنیا انجام داده‌اند. با این حال به نظر می‌رسد پول و اراده سیاسی در دوران ترامپ به صورت بسیار متناسبی یکدیگر را پیدا کرده‌اند و اتحاد این دو که آن هم بر محور دوستی با سعودی‌هاست، توانسته تیم مشاوران جنگ‌طلب ترامپ را با هم بخوبی هماهنگ کند. نکته جالب توجه درباره کاپلان، طریقه درآمد کسب کردن او از بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه است. مایک والاس، رئیس گروه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای»، در واقع مدیرعامل یکی از سازمان‌های اقتصادی وابسته به کاپلان با نام «گروه مالی تیگریس» است. وی پیش از این نیز در زمان جورج بوش به همراه جان بولتون به‌عنوان نماینده ایالات متحده در سازمان ملل فعالیت می‌کرد. این شرکت اقتصادی فعالیت‌های خاصی در منطقه خاورمیانه دارد و آن فاش کردن هویت شرکت‌هایی است که تحریم‌های آمریکا یا سایر تحریم‌ها علیه ایران را دور می‌زنند و با ایران همکاری اقتصادی دارند. این شرکت همچنین در زمینه معدن در کشورهای منطقه خاورمیانه سرمایه‌گذاری انجام می‌دهد. این شرکت البته در زمینه معرفی خود صراحتا به این مساله نیز اعتراف کرده است که از «بی‌ثباتی‌های سیاسی در خاورمیانه» پول درمی‌آورد و این مساله آنطور که چندی پیش مجله «اسلیت» آمریکا به آن اشاره کرد، می‌تواند تهدیدها و درگیری‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت ایران با همسایگانش و یا آمریکا نیز باشد.

اما این شرکت چگونه می‌تواند از بی‌ثباتی‌های سیاسی در خاورمیانه سود ببرد؟ به نوشته مجله اسلیت، گزارش سالانه شرکت‌های تولید نقره کاپلان نشان می‌دهد این شرکت به ریاست کاپلان، از سرمایه‌گذارانش خواسته توجه کنند که «بی‌ثبات‌سازی‌ها در خاورمیانه و خلیج‌فارس، تنش بین هندوستان و پاکستان که می‌تواند به جنگ اتمی بین این ۲ کشور ختم شود و افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم در بعد جهانی آن و انواع خشونت‌ها می‌تواند قیمت نقره را بالا برده و قیمت سهام این شرکت را نیز افزایش دهد». سال ۲۰۱۱ نیز به همین ترتیب والاس که مسؤول شرکت معدنی نقره کاپلان در آیداهو آمریکا بود، بیان کرد: «درخواست برای سرمایه‌گذاری در بخش معدن نقره به دلیل ضعیف شدن دلار و همچنین اقتصاد بی‌ثبات در اروپا و بی‌ثباتی‌ها در منطقه خاورمیانه همچنان رو به افزایش است».

با وجود اینکه کاپلان مدعی می‌شود ارتباط مستقیمی با شرکت‌های تحت مدیریت مارک والاس ندارد اما زمانی که سفیر فرانسه در آمریکا نشان لژیون دونور (نشان افتخار) کشورش را به او تقدیم می‌کرد، او در سخنرانی‌ای عجیب از شرکت تحت نظر والاس حمایت کرد و گفت: «یکی از دوستانم بیان کرده است که یک روز بچه‌های ما از ما می‌پرسند زمانی که به هدف ایرانیان برای دستیابی به بمب اتم پی بردیم، چه کردیم. من جواب خواهم داد: در این زمان من بخشی از چیزی بسیار بزرگ‌تر شدم. می‌دانستم که دانستن اینکه چه اتفاقی خواهد افتاد بسیار سخت است اما اگرچه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» موشک‌های تام هاوک و هواپیماهای بمب‌افکن ندارد ولی ما بیشتر از هر بخش خصوصی و دولتی دیگری در به زانو درآوردن ایران در این خصوص نقش داشتیم».

شبکه اطلاعاتی و مالی سعودی ـ آمریکایی حالا این روزها بیشتر از هر زمان دیگری مشغول پیش بردن برنامه «فشار حداکثری» است؛ برنامه‌ای که فقط هدف قرار دادن یک پهپاد ۱۳۰ میلیون دلاری آمریکایی نشان داد چقدر آسیب‌پذیر و ضعیف است. می‌توان مشاهده کرد که کار سازمان اطلاعات آمریکا این روزها بیشتر از اینکه جمع کردن اطلاعات باشد، اجیر کردن جنایتکاران جنگی با پول‌های سعودی برای رویارویی با ایران در منطقه است؛ اقدامی که تاکنون با مواضع و اقدامات بهنگام و موثر ایران بی‌ثمر مانده است.

شکست قطعی حزب حاکم عدالت و توسعه در انتخابات شهرداری استانبول

کلید پوپولیسم در دست رقیب اردوغان

ادامه از صفحه ۷

کارزار انتخاباتی امام‌اوغلو کاملا رویه‌ای پوپولیستی را بازتاب می‌دهد. او با مردم کوچه و بازار براحتی ارتباط برقرار می‌کرد و هرجایی که می‌رفت سلفی‌هایی با طرفدارانش در بازار و کافه‌ها می‌گرفت. اگرچه در دوران بگیر و ببندها و کودتا و خودسلطان‌پنداری آقای رئیس‌جمهور، شعار مبارزه برای دموکراسی و توزیع دموکراسی را انتخاب کرده اما فراموش نکنیم که بزرگ‌ترین مانور او و ائتلاف مخالفان سکولار اردوغان روی «بی‌عدالتی» حزب حاکمی است که عنوان عدالت را یدک می‌کشد. آنها لغو انتخابات نخست شهرداری استانبول در ماه مارس را نماد این بی‌عدالتی معرفی کردند و شبکه‌های اجتماعی را محل یارگیری از نسل جدید قرار دادند به طوری که تعداد دنبال‌کننده‌های حساب توئیتری امام‌اوغلو ظرف ۳ ماه از ۳۵۰ هزار نفر به بیش از ۲/۷۵ میلیون نفر رسید. همچنین امام‌اوغلو در روزهای حضور موقتش در شهرداری استانبول درست از همان رویه ربع قرن پیش اسلامگرایان و اردوغان تقلید کرد و به انتقاد از هزینه‌های غیرمعقول شهرداری پرداخت که سال‌ها در دست حزب حاکم وقت بود. اینها همه به حامیان اردوغان گوشزد می‌کند که رقیب جدید به طور جدی از عمارت کمال پاشای استانبول به کاخ آک سارای آنکارا می‌نگرد. پیام پیروزی او پس از شرکت در جشن هواداران نیز این نگاه را بازتاب می‌دهد. شهردار جدید استانبول مستقیما شهردار اسطوره‌ای را که حالا قبای ریاست مملکت بر تن کرده خطاب قرار داده و می‌گوید: «بعد از کامل شدن فرآیند قانونی و تحویل دفتر شهرداری استانبول، مایل هستم در اسرع وقت شما (اردوغان) را ملاقات کنم و نقشه راه و دیدگاه‌های خود را مطرح و به نظرات و دیدگاه‌های شما نیز گوش کنم». انگار او حالا خود را رئیس‌جمهور یک‌پنجم جمعیت ترکیه می‌داند که چنین پیامی پس از یک پیروزی انتخاباتی تاریخی می‌دهد: «این پیروزی نیست؛ این شروع است. این را نیز باید بگویم که از فردا، من با همه ۱۶ میلیون نفر (ساکنان استانبول) به صورت مساوی رفتار خواهم کرد».